

تأثیر و نقش اشتغال، اعتبار و مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی براساس نگرش دانشجویان دختر دانشگاههای اصفهان

دکتر محمد جواد لیاقت‌دار*

دکتر بهجت یزدخواستی**

فغانه نقوی***

فاطمه سمیعی****

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر اشتغال، اعتبار و مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی می‌باشد. طرح تحقیق توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای و کمی - کیفی است. به این منظور از میان کلیه دانشجویان دختر دانشگاههای دولتی اصفهان به‌طور تصادفی ساده متناسب با حجم تعداد 206 نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه نیمه‌سازمان یافته بود. نتایج با استفاده از آزمون t تک متغیره و تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که علاقه‌مندی زنان به احراز شغل، کسب اعتبار، موقعیت اجتماعی و نیز مشارکت سیاسی بیش از سطح متوسط در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است ($P < 0/05$).

کلید واژه‌ها: اشتغال، اعتبار، موقعیت اجتماعی، مشارکت سیاسی، آموزش عالی و زنان.

تاریخ پذیرش مقاله: 86/11/20

تاریخ دریافت مقاله: 86/10/04

*عضوهیات علمی دانشگاه اصفهان، mjavad_liaghatdar@yahoo.com

**عضوهیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، b.yazdkhasti@ltr.ui.ac.ir

***عضوهیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود، bardia41@yahoo.com

****دانشجوی دکتری مشاوره شغلی، samiee_fatemeh@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائل عمده‌ای که دانشگاه‌های ایران و سایر کشورهای دنیا مانند هاروارد^۱، پرینستون^۲، استانفورد^۳، رایس^۴، دوکی^۵ و یال^۶ در دهه اخیر با آن روبه‌رو هستند، افزایش ورود داوطلبان دختر به دانشگاهها و گرایش زنان به آموزش عالی می‌باشد. براساس آمار سازمان ملل متحد در سال 1980 م، فاصله دختران و پسران در آموزش رو به کاهش و حتی افزایش به نفع دختران بوده است. این به آن معناست که روند افزایش حضور دختران در دانشگاهها به یک پدیده جهانی تبدیل شده است (قدیمی، 1382؛ لوکنیل^۷، 2002). حقیقت آن است که ورود به آموزش عالی براساس جنسیت دستخوش تغییر شده است. بین سالهای 1900 - 1930 مردان و زنان به نسبت یکسان وارد دانشگاهها شدند. بعد از جنگ جهانی دوم به خاطر تسهیلاتی که در اختیار مردان از جنگ برگشته قرار داده شد، دانشگاهها با افزایش تعداد مردان روبه‌رو شدند و اکنون به خاطر آموزشهای مخصوصی که زنان در زندگی خود می‌بینند و برای افزایش آگاهی و دستیابی به حقوق واقعی خویش با نرخ 17 درصد بیش از مردان وارد سیستم آموزش عالی می‌شوند (کینگزبری^۸، 2007). به گفته لدوید^۹ و منفدی^{۱۰} (2000) مطالعات کمیسیون اروپا نشان داده است که گرچه به دلایل فرهنگی و رفتاری زنان در امر خانواده، تعداد زنان با پست اجرایی بالا در دانشگاهها بسیار کمتر از مردان است، اما نسبت زنان به مردان در مؤسسات آموزش عالی کشورهای اروپایی از قرار 103 به 100 نفر می‌باشد که قابل بررسی است.

-
1. Harvard
 2. Princeton
 3. Stanford
 4. Rice
 5. Duke
 6. Yale
 7. Luckenbill, E. L
 8. Kingsbury, A.
 9. Ledwith
 10. Manfedi

چارچوب نظریه پژوهش

دلایل و عوامل متعددی برای ورود زنان به آموزش عالی وجود دارد. از جمله این عوامل می‌توان به کسب شغل بهتر، اعتبار و موقعیت اجتماعی بالاتر و به دنبال آن مشارکت سیاسی اشاره کرد. مشارکت سیاسی به معنای شرکت فعالانه انسانها در تمام مراحل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات (ساروخانی، 1370) و یا فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاستگذاری عمومی است. منظور از این مشارکت، مشارکت در انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه سطوح ملی و فراملی، فعالیت در احزاب و گروههای سیاسی، تشکیل حزب و دخالت در تصمیم‌گیریهای خرد و کلان سیاسی می‌باشد (جلالی و بنی‌نجریان، 1385).

بر اساس پژوهشهای مختلف (کینگزبری، 2007؛ گرین^۱ و هیل^۲، 2003؛ بیکر^۳ و ولز^۴، 1996؛ ولز^۴، 1996؛ برادلی^۵، 2000؛ ریموند^۶ و جانسون^۷، 2003 و پدرو^۸ و همکاران، 1981) زنان وارد وارد دانشگاه می‌شوند تا شغل مناسبی پیدا کنند و شانس موفقیت خود را در بازار کسب و کار بالا ببرند. آنان بیش از مردان به خاطر مسائل شغلی و تحصیلی به آموزش عالی روی می‌آورند. برعکس عده‌ای از محققان (سچاپ^۹، 1974؛ بیکر و ولز، 1996؛ برادلی، 2000؛ اسپنس و بوکتر، 2000) انگیزه ورود دختران به آموزش عالی را به طور عمده مواردی غیرشغلی از قبیل رشد فکری، کسب توانایی بیشتر در افزایش کیفیت تربیت فرزندان، بالارفتن آگاهی آنها در ارتباط با زندگی، داشتن سرگرمی، پیدا کردن همسر مناسب و یادگیری حرفه خاص را برای ورود به سیستم

1. Green, R.
2. Hill, J.H.
3. Baker
4. Velez
5. Bradley
6. Raymond, H.
7. Jounson, H.
8. Pedro
9. Schab

آموزش عالی عنوان می‌کنند. آنها معتقدند بالا رفتن اعتماد به نفس زنان و نیز میل به کسب استقلال، اعتبار و موقعیت برتر در میان آنان نسبت به 20 سال گذشته، آنان را به سمت آموزش عالی سوق داده است. مقایسه واولویت‌بندی‌ای که گرین و هیل (2003) بین انگیزه زنان و مردان انجام دادند، نشان می‌دهد که زنان بهبود شرایط کاری و شغلی را اولویت اول خود برای ورود به دانشگاه می‌دانستند و انگیزه‌های دیگری همچون افزایش معلومات، کسب درآمد، به دست آوردن موفقیت مورد نظر والدین، پیدا کردن همسر مناسب و داشتن یک زندگی متعادل در اولویت بعدی قرار داشت و در مقایسه، مردان والد خوب بودن، استفاده از دانش، بستن عقد اخوت و پیمان برادری را مهم دانستند. این تفاوتها از نظر آماری معنادار بود. همان‌گونه که ذکر شد از نظر بیکر، ولز (1996) و برادلی (2000) زنانی که تواناییهای فکری و ذهنی بالاتری دارند و می‌توانند آینده شغلی خود را پیش‌بینی کنند؛ گرایش بیشتری به ادامه تحصیل از خود نشان می‌دهند. تحقیق ریموند و جانسون (2003) نیز بر انگیزه کسب شغل بهتر به‌وسیله زنان متقاضی ورود به آموزش عالی تأکید می‌کند.

بنابراین به نظر می‌رسد بین تحصیلات، موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان رابطه مثبت وجود دارد. اگرچه اکثریت زنان تمایل دارند در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی تحصیل کنند و کمتر به رشته‌هایی چون تکنولوژی و ریاضیات علاقه نشان می‌دهند (بیر، 1999؛ برادلی، 2000 جکوبس^۲ و همکاران، 1998)، اما پیدا کردن شغل برای همه آنها از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار برخوردار است (پدرو و همکاران، 1981) و به این خاطر است که بر اساس پژوهش لطیفی (1378) و غیاثی (1375) تحصیلات بر دسترسی زنان به شغل بهتر، توانایی کسب درآمد، سلامت عمومی و نیز کاهش افسردگی و اضطراب آنها مؤثر بوده است. از نظر سرینی واسن^۳ (2004) تحصیلات زنان از یک طرف کلیدی برای پیشرفت زندگی آنان و از طرف دیگر شکستن سنتها، قید و بندهای طبقاتی و برطرف شدن مسائل و مشکلات اقتصادی جامعه می‌شود. اگرچه زنان امروزه به برتریهای شغلی

-
1. Beyer
 2. Jacobs
 3. Srinivasan, V.

دست پیدا کرده‌اند، اما مشاغلی که در آن زنان مزد کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند، بسیار چشمگیر است (بلاس^۱ و رسکین^۲، 1994). لازم به ذکر است که در مطالعه پژوهشی آیالون^۳ (2003) روال بر آن بود که زنانی که در دبیرستان واحدهای ریاضی و علوم را به طور عمدۀ گذرانده‌اند برای کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بالاتر در جامعه و همچنین به‌دست‌آوردن شغل بهتر در مقایسه با مردان به طور قابل توجهی به رشته‌های پزشکی و حقوق روی آوردند. بر اساس مطالعه جانگ^۴ و مریام^۵ (2004) پیرامون ارتباط میان فرهنگ کشور کره و انگیزه زنان با مدرک لیسانس برای بازگشت مجدد به دانشگاه نشان داد که مهمترین دلیل زنان برای بازگشت به تحصیلات دانشگاهی کسب اعتبار بیشتر و موقعیت اجتماعی بهتر برای اثبات خود به جامعه و بویژه نهادهای مردسالار بوده است. سالنیر^۶ (2005) در کتاب خود ضمن تأیید اهمیت اعتبار اجتماعی برای زنان بر این نکته تأکید دارد که آموزش عالی برای زنان در آمریکا به عنوان بستری برای به‌دست آوردن شغل بهتر، موقعیت اجتماعی بالاتر و فرار از فقر است. پژوهشی که شیراهاس^۷ (2000) انجام داد، نشان می‌دهد که زنان ضمن اینکه برای کسب اعتبار بیشتر وارد دانشگاهها شدند، در عین حال پیامد این ورود منجر به کاهش میزان باروری و حتی بالا رفتن سن ازدواج در آلمان شده است. داگر^۸ (2001) در تحقیقی پیرامون زنان در ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسید که اگرچه حضور زنان در موقعیتهای هم‌ردیف با مردان افزایش پیدا کرده است و زنان در موقعیتهایی مثل دندانپزشکی و حقوق نسبت به قبل پیشرفت داشته‌اند، اما هنوز اختلاف اساسی بین حقوق دریافتی، شأن، منزلت و میزان دسترسی به امکانات بین مردان و زنان وجود دارد. در این

-
1. Bellas
 2. Reskin
 3. Ayalon, H.
 4. Jang, S.Y.
 5. Merriam, S.
 6. Saulnier, C.F.
 7. Shirahas, S.
 8. Dugger, K.

رابطه تولسراپ^۱ و راسواراد^۲ (2001) ضمن تأکید بر انگیزه بالای زنان برای کسب موقعیت اجتماعی بهتر از طریق سختکوشی بیشتر و گذراندن واحدهای علمی تخصصی بیشتر بر این نکته تأکید داشته‌اند که این‌گونه تلاش و جدیت از سوی جامعه زنان برای ورود به رشته‌های بالا در آموزش عالی می‌تواند از عوامل عمده توسعه اقتصادی کشورهای شرقی آسیا باشد. گرچه به اعتقاد ساکس^۳ و هارپر^۴ (2007) در دانشگاه همواره بین توانمندی زنان و مردان در رشته‌های ریاضی و علوم فاصله‌ای وجود دارد که گاهی اوقات ناشی از وجود همین فاصله در توانمندی آنان در دوره دبیرستان می‌باشد. در این رابطه، پارکرسون^۵ (2004) ضمن پرداختن به عامل مشارکت سیاسی در میان زنان معتقد است که زنان ایرانی همچون زنان سایر کشورهای توسعه‌یافته تلاشهایی برای رفع تبعیض علیه خود را با کسب جایگاه و نقش مؤثر در آموزش عالی و مشارکت در صحنه‌های سیاسی شروع کرده‌اند. سرینی واسن (2004) که خود از پژوهشگران مسائل زنان به حساب می‌آید، ضمن برجسته کردن عامل مشارکت سیاسی در میان زنان معتقد است که حق زنان برای تحصیل از حق آنان برای زندگی نشأت می‌گیرد. به عقیده این پژوهشگر ورود به آموزش عالی برای زنان فواید فراوانی دربرداشته است. چراکه زنان با کسب دانش توانستند در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی به صورت پویا وارد جامعه شوند. اگرچه تفاوت‌های جنسیتی در فعالیتهای دانشگاهی و صنعتی زنان و مردان نقش دارد، به طوری که زنانی که از نظر علمی رشد می‌کنند بیشتر خواستار دریافت امتیاز و اعتبار هستند؛ در مقایسه؛ مردان در جهت طی کردن سلسله مراتب قدرت تلاش می‌کنند (بونکر^۶ و لورل^۷، 2008)؛ با این حال از نظر سرینی واسن (2004) واسن (2004) سنتهای جامعه زنان را وادار می‌سازد که تابع، قانع، صبور و باگذشت باشند که این ویژگیها فراموش کردن توانمندیهای زنان را در پی دارد.

-
1. Thultrup, W.H.
 2. Roswara, J.
 3. Sax, L.J.
 4. Harper, C.E.
 5. Parkerson, A.H.
 6. Bunker, W.K.
 7. Laurel, S.D.

سؤالهای پژوهش

با توجه به افزایش تعداد پذیرفته‌شدگان دختر در آزمون ورودی دانشگاهها، پژوهش حاضر در پی آن است که دریابد:

- 1) تا چه میزان علاقه مندی زنان به احراز شغل در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است؟
- 2) تا چه میزان علاقه‌مندی زنان به کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است؟
- 3) تا چه میزان علاقه‌مندی زنان به مشارکتهای سیاسی در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است؟

روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر، توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای و نیز ترکیبی از کمی و کیفی (پرسشنامه و مصاحبه) می‌باشد. جامعه آماری نیز شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاههای دولتی اصفهان، یعنی دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه صنعتی و دانشگاه اصفهان بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده متناسب با حجم و براساس ضریب تأثیر و سطح آلفا در مطالعه مقدماتی، تعداد 206 نفر از سه دانشگاه برای نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه نیمه‌سازمان یافته بود. سؤالهای پرسشنامه در سه بعد 1- افزایش سطح توانمندی برای احراز شغل؛ 2- کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی؛ 3- احراز پست‌ها و موقعیتهای سیاسی براساس مقیاس لیکرت تنظیم شد. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 0/93 برآورده شده است. به منظور به دست آوردن اطلاعات عمیقتر، مصاحبه‌ای با 15 نفر از صاحب‌نظران زن، پژوهشگران و محققان مسائل زنان و نیز افرادی که دارای پست مدیریت مربوط به زنان در استانداری، دانشگاه و نهاد ریاست جمهوری بودند، به عمل آمد که از این میان 12 نفر جزو اعضای هیأت علمی دانشگاهها بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون t تک متغیره و تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و مصاحبه در ارتباط با علاقه‌مندی به احراز شغل و تأثیر آن در گرایش آنها به آموزش عالی در جدولهای 1 و 2 خلاصه شده است.

جدول 1: نوع و درصد برخی از مؤثرترین پاسخ‌ها در ارتباط با مقوله احراز شغل

درصد	برخی از مؤثرترین گویه‌ها
76/7	کسب استقلال نسبی اقتصادی در کانون خانواده
75/3	کسب درآمد برای روزهای حادثه و پیشامدهای ناگوار زندگی
56/3	سهیم شدن در نیروی کار تولیدی جامعه

متوسط نمره پاسخگویان بین 3/29 تا 4/13 در نوسان بوده است.

جدول 2: مؤثر بودن احراز شغل در گرایش زنان به آموزش عالی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	P
احراز شغل	3/83	0/66	17/97	0/000

همان‌گونه که در جدول 2 نشان داده شده است، احراز شغل در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است ($P=0/00$). میانگین فوق‌نشان می‌دهد که احراز شغل بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر است ($3/83 > 3/29$). در ضمن نتایج حاصل از داده‌های کیفی و مصاحبه بیانگر آن می‌باشد که اکثر مصاحبه‌شوندگان انگیزه اشتغال و کمک به درآمد خانواده و نیز کسب امنیت شغلی و اخلاقی، کسب استقلال نسبی اقتصادی، کسب درآمد برای روزهای حادثه و پیشامدهای ناگوار زندگی و سهیم شدن در نیروی کار تولیدی جامعه را عامل بسیار مهمی در گرایش زنان به آموزش عالی می‌دانستند.

در ارتباط با مؤلفه دوم، یعنی علاقه‌مندی زنان به کسب اعتبار، موقعیت اجتماعی بهتر و تأثیر آن در گرایش آنها به آموزش عالی نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدولهای 3 و 4 خلاصه شده است.

جدول 3: نوع و درصد برخی از مؤثرترین پاسخها در ارتباط با مقوله کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بهتر

درصد	برخی از مؤثرترین گویه‌ها
82	کسب استقلال و رسیدن به اعتماد به نفس بالا
79/8	رسیدن به یک زندگی ایدئال و ازدواج موفقتر
57/8	کسب محبوبیت در میان اطرافیان
57/3	بهره‌مندی از تکنولوژیهای مدرن روز

متوسط نمره پاسخگویان بین 3/65 - 4/31 در نوسان بوده است.

جدول 4: مؤثر بودن کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بهتر در گرایش زنان به آموزش عالی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	P
کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بهتر	4/02	0/63	23/28	0/000

همان‌گونه که در جدول 4 مشاهده می‌شود، کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بهتر در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است ($P = 0/000$). میانگین مشاهده شده نشان می‌دهد که کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است ($4/02 > 3/65$). در ضمن نتایج حاصل از داده‌های کیفی و مصاحبه مؤید یافته‌های حاصل از پرسشنامه بود، زیرا اکثریت مصاحبه شونده‌گان ضمن تأکید بر اهمیت کسب موقعیت اجتماعی و

اعتبار بیشتر برای طبقه زنان، رهایی از محرومیتها و ظلم موجود در جامعه مردسالار و بالطبع پیداکردن شریک زندگی مناسب را عامل بسیار مهمی در گرایش زنان به آموزش عالی می‌دانستند. پیرامون مؤلفه سوم پژوهش، علاقه‌مندی زنان به مشارکت سیاسی و تأثیر آن در گرایش آنها به آموزش عالی، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدولهای 5 و 6 خلاصه شده است.

جدول 5: نوع و درصد برخی از مؤثرترین پاسخها در ارتباط با مقوله مشارکت سیاسی

درصد	برخی از مؤثرترین گویه‌ها
62/1	اطلاع و آگاهی از حقوق سیاسی و اختیارات قانونی
51	مشارکت آگاهانه زنان در مباحث سیاسی روز کشور
33/5	مشارکت آگاهانه در فعالیتهای سیاسی از جمله احزاب

متوسط نمره پاسخگویان بین 3/11 - 3/70 در نوسان بوده است.

جدول 6: مؤثر بودن مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	P
علاقه‌مندی به مشارکت سیاسی	3/32	0/829	5/69	0/000

همان‌گونه که در جدول 6 مشاهده می‌شود، علاقه‌مندی به مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است ($P=0/000$). میانگین مشاهده شده نشان می‌دهد که علاقه‌مندی به مشارکت سیاسی بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است ($3/11 > 3/32$). نتایج حاصل از داده‌های کیفی و مصاحبه، بیانگر آن است که اکثریت مصاحبه‌شوندگان علاقه‌مندی به مشارکت سیاسی، مطرح‌شدن حقوق زنان در سطح بین‌المللی، ایجاد انگیزه برای

اثبات لیاقت زنان ایرانی و مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی رایج در جامعه را عامل بسیار مهمی در گرایش زنان به آموزش عالی دانستند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در ارتباط با تأثیر عوامل دموگرافیک (جمعیت شناختی) در مؤلفه‌های گرایش به آموزش عالی مانند اشتغال، اعتبار و مشارکت سیاسی نشان داد که بین عوامل دموگرافیک مانند رشته تحصیلی، دانشگاه محل تحصیل، سالهای تحصیلی و سطح تحصیلات پدر و مادر در خصوص هر یک از عوامل تأثیرگذار در گرایش زنان به آموزش عالی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود ($p > 0/05$) فقط بین نظرات پاسخ دهندگان از لحاظ میزان تحصیلات والدین در مؤلفه مشارکت سیاسی تفاوت معنادار مشاهده شد ($P < /05$). به عبارت دیگر دانشجویانی که دارای والدین بیسواد و یا دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر بودند، "علاقه‌مندی به مشارکت سیاسی" را در ادامه تحصیل زنان مؤثر می‌دانستند.

نتیجه‌گیری

در خصوص سؤال اول پژوهش "به چه میزان علاقه‌مندی زنان به احراز شغل در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است؟" نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که علاقه‌مندی زنان به احراز شغل بیش از سطح متوسط در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است، به طوری که بیشترین درصد پاسخها مربوط به گویه "کسب استقلال نسبی اقتصادی در خانواده" و "کسب درآمد برای روزهای ناگوار" بود. داشتن یک شغل می‌تواند زن را به سمت احساس استقلال نسبی و رهایی از وابستگی سوق دهد. گرچه در نظام اعتقادی، مرد موظف است هزینه‌های ضروری همسرش را تأمین کند ولی برای بسیاری از زنان ناگوار و ناخوشایند است که برای کوچکترین احتیاج خود از همسر مطالبه‌ای داشته باشند. علاوه بر این زنان با داشتن شغل، آزادی اقتصادی پیدا کرده و محصول کارشان از آن خودشان است، می‌توانند با آن خرید و فروش کنند و مرد تنها با خواست زن می‌تواند در آن نفوذ داشته باشد. همچنین طبق نظر اسپنس و بوکتر (2000) احساس مفیدبودن و احساس خلاقیت، استقلال و اعتماد به نفس با دیدن حاصل کار خود باعث رضایت درونی در زنان شده و این رضایت کار را جزء شخصیت آنان می‌کند. به

همین دلیل است در سالهای اخیر زنان حضور بیشتری در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه داشته‌اند. یافته‌های فوق با نتایج پژوهش گرین و هیل (2003)، کینگزبری (2007)، برادلی (2000)، ریموند و جانسون (2003)، پدرو وهمکاران (1981)، بیکر و ولز (1996) و بیر (1999) همخوانی داشته است.

در خصوص سؤال دوم پژوهش، "به چه میزان علاقه‌مندی زنان به کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بهتر درگرایش آنان به آموزش عالی مؤثر بوده است؟" نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که علاقه‌مندی زنان به کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بیش از سطح متوسط در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است، به طوری که بیشترین درصد پاسخها مربوط به گویه "کسب استقلال و رسیدن به اعتماد به نفس بالا" و نیز "رسیدن به یک زندگی ایدئال و ازدواج موفق" می‌باشد. بدیهی است احترام باید براساس شایستگی و قابلیت فرد باشد و در واقع تحصیلات بالاتر می‌تواند وسیله‌ای در جهت تحقق کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی باشد. نتایج پژوهش فوق با نتایج پژوهشهای سچاپ (1974)، اسپنس و بوکندر (2000)، بیکر و ولز (1996)، برادلی (2000)، آیالون (2003)، سرینی واسن (2004)، شیراهاس (2000)، سالنیر (2005) و تولسرپ (2001) همخوانی دارد.

در خصوص سؤال سوم پژوهش، "به چه میزان علاقه‌مندی زنان به مشارکت سیاسی درگرایش آنان به آموزش عالی مؤثر بوده است؟" نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که علاقه‌مندی زنان به مشارکت سیاسی بیش از سطح متوسط در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است، به طوری که بیشترین درصد پاسخها مربوط به گویه "اطلاع و آگاهی از حقوق سیاسی و اختیارات قانونی" و نیز گویه "مشارکت آگاهانه زنان در مباحث سیاسی روز کشور" می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش سرینی واسن (2004)، جانگ و مریام (2004) و پارکسون (2004) همخوانی داشته است. در این ارتباط همان‌گونه که غیائی (1379) نیز معتقد بود می‌توان گفت که توسعه هر جامعه را باید با وضعیت زنان آن جامعه و جایگاه آنان از نظر آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سنجش کرد. چرا که نرخ مشارکت دختران در آموزش عالی با سطح توسعه کشور و رشد جامعه شهری آنها ارتباط دارد. به گفته ساخاروپولوس (1370) هر قدر

جمعیت ساکن در شهرها بیشتر باشد، نرخ مشارکت دختران در آموزش عالی از رشد فزاینده‌ای برخوردار خواهد بود و هر اندازه کشورها از رشد اقتصادی و تحولات بیشتری بهره برده باشند، نقش زنان و حضور گسترده آنها در جامعه ملموستر خواهد شد. علاوه بر این، براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس از حق مشارکت در حکومت کشور خویش برخوردار است. توانمندسازی زنان و بهسازی منزلت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان برای حصول دولتی که عملکرد آن از شفافیت برخوردار بوده و نسبت به همه اقشار مردم پاسخگو باشد و نیز برای حصول توسعه پایدار در همه عرصه‌های زندگی امری حیاتی است. این امر بنا بر بیانیه دفتر امور بانوان (1375) بدون شرکت فعال زنان و استفاده از نظرات آنان در کلیه سطوح تصمیم‌گیری قابل دسترسی نیست. علاوه بر این به قدرت رسیدن زنان و حضور آنها در سیاست گویای دموکراسی سالم است و سهیم‌شدن زنان و مردان در تصمیم‌گیری از پیش نیازهای دموکراسی است. در این میان باور و وقوف زنان به تواناییهای خود و تلاش در اثبات شایستگی‌هایشان و ترس نداشتن آنان از کسب قدرت و مقام، شرایط مناسبی را برای حضور زنان و مشارکت موفق آنان به وجود خواهد آورد (پاتریک^۱ و پاسکویکیوتی^۲، 2003).

در پایان لازم است به کسانی که همواره تواناییهای زنان را به دیده حقارت می‌نگرند، توصیه شود تا در نگرش خود تجدید نظر کنند، زیرا واقعیت این است که امروزه کسی نمی‌تواند آثار مثبت اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، روانی و تربیتی حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی به خصوص آموزش عالی را که راه ورود به توسعه است، منکر شود. مشارکت صحیح زنان که مبتنی بر تعالیم والای دین اسلام است راهی در جهت استفاده بهتر از نیروی انسانی جامعه و پاسخی است به همه آنان که ورود زنان از حاشیه به متن اجتماع را نادرست می‌پندارند. این‌گونه اظهارنظرها به طور عمده ناشی از عدم مرجعیت علم در تصمیم‌گیرها و نداشتن رویکردهای علمی در قبال تحولات جامعه است. در این راستا پیشنهاد می‌شود تا مدیریت کلان کشور بستر مناسب و زمینه لازم برای حضور جدی زنان را در نهادهای مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و هنری فراهم آورد و

-
1. Patrick
 2. Paskeviciute

نیز زنان برای رسیدن به شرایط، موقعیت و اعتبار اجتماعی بالاتر و تأمین بهداشت روان و ارضای نیازهای فرامادی خود لازم است به فعالیتهای کارآفرینانه و نوآورانه بپردازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. جلالی، محمود، و صفورا بنی نجاریان؛ «تحلیلی پیرامون مشارکت سیاسی زنان در نظام سیاسی حقوق ایران»؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی نقش زنان در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، ج 2، اصفهان: دانشگاه اصفهان 1385.

2. دفتر امور بانوان؛ سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کارپایه عمل و اعلامیه یکن، ترجمه: علی آوین و سید سعید قاضی؛ تهران: برگ زیتون 1375.

3. ساخاروپولوس، ج.، و وودهاال، م.؛ آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینشهای سرمایه‌گذاری؛ ترجمه: پریدخت وحیدی و حمید سهرابی؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه، 1370.

4. ساروخانی، باقر؛ دایره‌المعارف علوم اجتماعی؛ تهران: کیهان، 1370.

5. غیاثی، مینو؛ بررسی روند وضعیت آموزش زنان در آموزش عالی ایران؛ تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، 1379.

6. قدیمی، اکرم؛ زن، عرصه اجتماع؛ تهران: انجمن ایرانی مطالعات زنان، 1383.

7. لطیفی، زهره؛ بررسی تأثیر شاغل بودن بانوان اصفهان و ویژگی‌های روانی آنان در پرسشنامه SCL-90؛ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان، 1377.

8. Ayalon, H.; "Women and Men Go to University: Mathematical Background and Gender Differences in Choice of Field in Higher Education"; *Sex Roles*, Vol.48, No. 516, 2003, pp: 277-290.

9. Baker, T.L., Velez, W.; "Access to and Opportunity in Postsecondary Education in the United States: A Review"; *Sociology of Education*, Vol.69,(Extra issue), 1996, pp: 82-101.

10. Bellas, M., Reskin, B.F.; On Comparable Worth, *Academe*, Vol.80, 1994, pp:83-85.

11. Beyer, S.; "The Accuracy of Academic Gender Stereotypes"; *Sex Roles*, Vol.40,1999, pp:787-813.
12. Bradley,K; "The Incorporation of Women into Higher Education: Paradoxical Outcomes?"; *Sociology of Education*, Vol.73, 2000, pp: 4-18.
13. Bunker, W.K , Laurel,S.D.; "Women Inventors in Context: Disparities in Patenting across Academia and Industry"; *Gender & Society*, Vol. 22, No.2, 2008, pp:194-248.
14. Dugger,K., "Women in Higher Education in the United State: Has There Been Progress?"; *International Journal of Sociology*, Vol.1/2, 2001, pp:118-130.
15. Green, R.J., Hill, J.H.; "Sex and Higher Education: Do Men and Women Attend College for Different Reasons?"; *College Student Journal*, Vol.37, No.4, 2003, pp:47-84.
16. Jacobs, J.E, Finken, L.L, Griffin, N.L., Wright, J.D.; "The Career Plans of Science Talented Rural Adolescent Girls", *American Educational Research Journal*, Vol. 35, 1998, pp:681-704.
17. Jang, S.Y., Merriam, S.; "Korean Culture and the Reentry Motivation of University graduated Women"; *Adult Education Quarterly* , Vol.54, 2004, pp: 273-290.
18. Kingsbury, A.; Admittedly Unequal, Many Colleges are Rejecting Women at Rates Drastically Higher than Those for Men. From, [http:// proquest.umi.com](http://proquest.umi.com), 2007.
19. Ledwith, S., Manfedi, S.; "Balancing Gender in Higher Education: A Study of the Experience of Senior Women in a New UK University"; *European Journal of Women's Studies*, Vol.7, No.1, 2000, pp: 7-33.

20. Luckenbill, E.L.; "The Educational Pipeline for Women in Biology: No Longer Leaking ?"; *Bioscience*, Vol.52, No.60, 2002, pp:513-523.
21. Parkerson, A.H.; "Time for a Chang: Rethinking the Development of Women and Girls"; *Educational Research*, Vol.33, No.6, 2004, pp: 29-35.
22. Patrick, M.R., Paskeviciute,A.; "Womens Access to Politics and Peaceful State"; *Journal of Peace Research*, Vol.40, No.3, 2003.
23. Pedro, J.D., Wolleat, P., Fennema, E., Baker, A.D.V.; "Election of High School Mathematics by Females and Males: Attribution and Attitudes", *American Educational Research journal*, Vol. 18, 1981, pp: 207-218.
24. Raymond, H., Jounson, H.; "Sex and Higher Education: Do Men and Women Attend College for Different Reasons?"; *College Student Journal*, Vol.37, No.4, 2003, pp:1-50.
25. Salnier, C.F.; *Reclaiming Class: Women, Poverty and the Promise of igher Education in America*. Amesterdam: Sage, 2005.
26. Sax, L.J., Harper,C.E., "Origins of the Gender Gap: Pre-college and College Influences on Differences between Men and Women"; *Research in Higher Education*, Vol.48, No.6, 2007, pp: 669-694.
27. Schab, F.; "Reasons for Attending College as Reported by Female Student"; *Florida Journal of Educational Research*, Vol.16, 1974, pp: 55-58.
28. Shirahase,S.; "Women's Increase in Higher Education and the Declining Fertility Male in Japan"; *Quarterly of Social Security Research*, Vol.34, No.4, 2000, pp: 47-63.

29. Spence, J.T., Buckner, C.E.; "Instrumental and Expressive Traits Stereotypes and Sexist Attitudes"; *Psychology of Women Quarterly*, 24, 2000, pp: 44-62.
30. Srinivasan,V.; "Women's Education: A Global Challenge"; *Signs*, Vol.29, No.2, 2004, pp: 325-356.
31. Thulstrup,W.H., Roswara,J.; "Participation of East Asian Women in Higher Education with Particular Emphasis on Science Based Fields"; *International Journal of Sociology*, Vol.21, 2001, pp:73-78.

